

# The Interaction of the Qur'anic Exegetes and Translators with the Verses Portraying Gender Discrimination and Superiority in Family and Social Relationships

Elaheh Hadian Rasnani<sup>1</sup>

## Abstract:

The strength of the Qur'anic exegeses and translations should be sought in the translation of the metaphorical and likewise, the ambiguous verses of the Qur'an. Among these are the verses that portray discrimination and superiority of men over women, the most significant of which are, verse 34 of Qur'an 4 [i.e., the verse of maintenance, the superiority of men and beating of women]; verse 32 of Qur'an 4 [i.e., the verse of craving], verse 228 of Qur'an 2 [the verse of rank] and the verse 36 of Qur'an 4 [which is about the birth of Hazrat Maryam (PBUH)] have been mentioned in the Qur'anic exegeses and the translations. A survey of the Qur'anic exegeses and translations, under these verses, shows that the Qur'anic exegetes and the translators of the Qur'an have faced many challenges in the interpretation and translation of these verses.

In this article, an attempt has been made to provide an accurate translation of these verses, using an analytical-descriptive and innovative way, by referring to the root of the terms and exact syntactical and Arabic issues and considering the context and with a trans-gender view of such verses, while criticizing the challenges of the Qur'anic exegeses and the translations.

**Keywords:** Discriminating verses, translations of the Qur'an, Qur'anic exegeses, women in the Qur'an.

مطالعات قرآنی  
و حدیثی

دوره دوم  
شماره اول  
پیاپی: ۳  
بهار و تابستان  
۱۴۰۲

1. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran. hadian.e@qhu.ac.ir



## تعامل مفسران و مترجمان قرآن با آیات موهّم تبعیض و تفضیل جنسیت در مناسبات خانوادگی و اجتماعی

الهه هادیان رسنانی<sup>۱</sup>

### چکیده

قوّت تفاسیر و ترجمه‌های قرآن را باید در ترجمه آیات متشابه نیز آیات مشکلی قرآن جستجو کرد. از جمله این آیات، آیات موهّم تبعیض و تفضیل مردان بر زنان است که مهم‌ترین آن‌ها ذیل آیات ۳۴ سوره نساء (آیه قوأمیت و تفضیل مردان و ضرب زنان)، ۳۲ سوره نساء (آیه تمّی)، ۲۲۸ سوره بقره (آیه درجه) و ۳۶ سوره نساء (درباره ولادت حضرت مریم (س)) در تفاسیر و ترجمه‌ها مطرح شده است. نگاهی به تفاسیر و ترجمه‌های قرآن کریم، ذیل این آیات، نشان می‌دهد که مفسران و مترجمان قرآن با چالش‌های فراوانی در تفسیر و ترجمه این آیات مواجه شده‌اند. در این مقاله تلاش شده است، به روش تحلیلی-توصیفی و نوآورانه، با مراجعه به ریشه و واژگان و مسائل دقیق نحوی و اعرابی و باتوجه به فضای سیاق و با نگاهی فراجنسیتی به این دست آیات، ضمن نقد چالش‌های تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، ترجمه‌ای دقیق از این آیات ارائه گردد.

**کلید واژه‌ها:** آیات موهّم تبعیض جنسیت، ترجمه‌های قرآن، تفاسیر، زن در قرآن.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. [hadian.e@qhu.ac.ir](mailto:hadian.e@qhu.ac.ir)



## ۱. بیان مسئله

ترجمه قرآن کریم، کاری است که در مرحله و نگاه نخست، شاید امری آسان به نظر آید؛ ولی در واقع با دشواری‌های بسیار فراوانی روبرو است و چه بسا بتوان گفت که کار ترجمه قرآن، امری بسیار دشوارتر از تفسیر است؛ زیرا در تفسیر قرآن، مفسر آزاد است که برای تبیین و توضیح هریک از عبارات یا آیات و سوره‌ها تا هر اندازه نکات تفسیری که لازم می‌بیند، به نگارش درآورد؛ ولی در ترجمه، مترجم باید برای هریک از الفاظ و عبارات قرآنی معادلی ارائه دهد که هم بیانگر محتوای آن الفاظ و عبارات باشد و هم بتواند تا حدی وجه اعجاز آیات را به مخاطب غیرعرب‌زبان منتقل نماید که به‌ویژه امر دوم به صورت کامل، به نظر، امری غیرقابل دستیابی در ترجمه است.

با وجود ترجمه‌های ارائه شده از قرآن کریم، به نظر می‌رسد این حوزه همچنان بسیار نیازمند کارهای اساسی‌تر و علمی‌تر است؛ چه آن‌که بسیاری از ترجمه‌های قرآن کریم، بدون توجه به تفاسیر و تنها براساس ترجمه ظاهر الفاظ و آیات، صورت گرفته است و در بسیاری از آن‌ها، بدون توجه به معانی دقیق الفاظ و آیات و تفسیر آن‌ها، به‌ویژه در حوزه آیات متشابه و نیز آیات مشکلی، تنها ترجمه‌ای صرف از آیات ارائه شده است؛ مهم‌ترین اشکالات بسیاری از ترجمه‌های قرآن را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

۱- نگاه جنسیتی به بسیاری از آیاتی که منسلخ از بحث تبعیض و تفضیل جنسیت هستند؛ مانند آیه ۳۴ سوره نساء و برخی آیات دیگر مطرح شده در این پژوهش که اصل مسئله مطرح در آن‌ها (بدون نگاه تفضیل مرد بر زن) تنها متوجه حقوق و مسئولیت هریک از زن و مرد نسبت به یکدیگر است.

۲- بی‌توجهی یا کم‌توجهی به نکات و قواعد ادبی و اعرابی الفاظ و آیات در ارائه مناسب معادل واژگان و عبارات.

۳- بی‌توجهی یا کم‌توجهی به مباحث تفسیری دخیل در فهم آیه که ضروری است در ترجمه بدان اشاره شود.

۴- عدم توجه کافی به مباحث آیات متشابه و نیز آیات مشکلی قرآن. از جمله این آیات مشکل در حوزه مسائل اعتقادی و اجتماعی، آیات موهوم تبعیض و تفضیل مردان بر زنان، به‌ویژه در چهار آیه قرآن است (نساء/ ۳۲ و ۳۴؛ بقره/ ۲۲۸ و آل عمران/ ۳۶) که مفسران و مترجمان قرآن با چالش‌های فراوانی در تفسیر و ترجمه این آیات مواجه شده‌اند.

## ۲- پرسش‌های پژوهش

پرسش‌هایی که در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم، عبارت‌اند از:  
 - تفاسیر و ترجمه‌های قرآن با چه چالش‌هایی در ترجمه آیات موهّم تفضیل و تبعیض جنسیت (برتری مرد بر زن) مواجه شده‌اند؟  
 - نگاه تفاسیر و ترجمه‌های قرآن در ترجمه قوامیت مردان بر زنان چگونه است؟ و فلسفه این قوامیت را در ترجمه آیه، با توجه به تعبیر «فضل»، چگونه آورده‌اند؟  
 - تعامل تفاسیر و مترجمان قرآن در خصوص ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء، با توجه به مسئله قوامیت مرد بر زن و طرح مسئله تفضیل در این آیه شریفه و برخی دیگر از آیاتی اینچنینی نیز چگونه است؟  
 - چه راه‌حلی عملی نوآورانه‌ای را در ترجمه این آیات مبتنی بر تفاسیر، می‌توان ارائه کرد؟

## ۳- پیشینه

تاکنون بحث‌های زیادی در خصوص آیات متشابه یا مشکل موهّم تبعیض و تفضیل جنسیت (مرد بر زن)، از جمله آیات مورد بحث در این پژوهش، مطرح شده است که بسیاری از آن‌ها در قالب همان بحث‌های تفسیری ذیل آیات در تفاسیر شیعه و اهل سنت است که به تحلیل این موضوعات پرداخته‌اند؛ علاوه بر تفاسیر، پژوهشی‌های موضوعی دیگری نیز پیرامون هر یک از این آیات، به ویژه آیه قوامیت مردان و ضرب زنان (در قالب کتاب و پایان‌نامه و مقاله)، به نگارش درآمده است که از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «بررسی تطبیقی قوامیت و تنبیه زنان در تفاسیر فریقین»، نوشته محسن علی‌جانی که در پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم چاپ شده است؛ و مقالات و پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دیگر با همین محوریت؛ همچنین آثار دیگری که پیرامون حقوق و تکالیف زن در اسلام به نگارش درآمده است، مانند کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» تألیف شهید مطهری؛ «زن در آئینه جمال و جلال» تألیف آیت‌الله جوادی آملی و «شخصیت و حقوق زن در اسلام» تألیف مهدی مهریزی و مانند آن‌ها که در بخش‌هایی از آثار خود به این آیات پرداخته‌اند.

تمایز این پژوهش، نسبت به آثار دیگر انجام‌شده، این است که اولاً رویکرد آن آثار به ترجمه‌های قرآن کریم نیست و تنها به بررسی تفاسیر یا نگاه تطبیقی تفاسیر پرداخته‌اند و شاخصه دیگر و مهم‌تر این پژوهش در ارائه دیدگاهی نوین، به ویژه در آیه ۳۴ سوره نساء، با نگاه دقیق لغوی به ماده



تفضیل (برداشتی متفاوت با دیگر تفاسیر و ترجمه‌ها) و تأثیر فهم آن در بخش نخست و پایانی آیه و همچنین آیه ۳۲ همین سوره و آیه درجه (بقره/ ۲۲۸) است که نگاه به آیات را هم در ترجمه و هم در تفسیر، بسیار متفاوت و ممتاز می‌نماید.

#### ۴. تعامل مفسران و مترجمان با آیه قَوَامِیَّت و تفضیل مردان و ضربِ زنان (نساء/ ۳۴)

یکی از آیات بسیار چالش‌برانگیز قرآن کریم در تفاسیر و ترجمه‌های قرآن کریم، آیه ۳۴ سوره نساء است که از ابتدا مورد توجه مفسران و فقیهان در تفاسیر و کتاب‌های فقهی قرار گرفته است و مفسران و فقیهان به شرح و تبیین آن اهتمام داشته‌اند. ترجمه‌های قرآن نیز متأثر از دیدگاه‌های تفسیری و فقهی ارائه شده درباره این آیه، آن را ترجمه کرده‌اند؛ در نتیجه، چالش‌های تفسیری و فقهی تفاسیر و کتاب‌های فقهی در ترجمه‌ها نیز به چشم می‌خورد. جهت بررسی این چالش‌ها، در ابتدا نگاهی به ترجمه‌های قرآن درباره آیه شریفه خواهیم داشت.

##### ۴-۱. نگاهی به ترجمه‌ها

مردان سرپرست و قائم بر امور معاش زنان‌اند؛ به خاطر برتری‌هایی که خداوند علیم حکیم به بعضی نسبت به بعضی داده و دیگر به خاطر انفاقی که مردان بر زنان از اموال خود می‌کنند (آدینه‌وند).

مردان را بر زنان تسلط و حق‌نهبانی است، به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند (الهی قمشه‌ای).

مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنان‌اند؛ به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می‌پردازند (انصاریان).

مردان بسی پاسداران زنان (شان)‌اند؛ بدین سبب که خدا برخی از ایشان را بر برخی (دیگر) برتری داده (ترجمان فرقان).

مردان عهده‌دار امور زندگی زنان‌اند؛ این از آن روست که خداوند برخی از مردم را بر برخی دیگر به خردمندی و توانمندی بیشتر برتری داده و نیز از آن روست که مردان از اموال خود هزینه زندگی زنان را می‌پردازند (صفوی).

مردان سرپرست زنان اند؛ به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند (فولادوند).

مردان سرپرست زنان اند؛ به سبب آنکه خداوند برخی را بر برخی دیگر (مردان را بر زنان در نیروی فکری و روانی و جسمی) برتری بخشیده (و از این رو ولایت امر جامعه را در رتبه نبوت و امامت و ولایت انتصابی از جانب معصوم، از آن مردان قرار داده است) و نیز مردان سرپرست همسران خویش اند؛ به خاطر آنکه از اموالشان (برای زنان) خرج می‌کنند (مشکینی).

مردان، سرپرست و نگهبان زنان اند؛ به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند (مکارم).

مردان کاراندیش زنان اند؛ برای آنکه خدا بعضی کسان را بر بعضی دیگر برتری داده و برای آنکه از مال‌های خویش خرج کرده‌اند (پاینده).

مردان سرپرست و قیم زنان می‌باشند. به خاطر برتری‌هایی که خدا برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و نیز به خاطر انفاق و بخشش‌هایی که مردان از اموال خود می‌کنند (کاویانپور).

مردان سرپرست زنان اند؛ بدان روی که خداوند برخی از آنان را بر برخی دیگر برتری داده است و برای آنکه مردان از دارایی‌های خویش می‌بخشند (گرمارودی).

#### ۴-۲. نگاهی به تفاسیر

جهت نقد و بررسی ترجمه‌ها و ارائه ترجمه برگزیده، لازم است نگاهی به معنی واژه‌های کلیدی در آیه شریفه (قَوَامِیت، فضل، و ضرب) در تفاسیر نیز داشته باشیم.

در آیه شریفه، ابتدا موضوع قوامیت مرد بر زن مطرح شده (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)؛ سپس دلیل این قوامیت به ظاهر، تفضیل برخی بر برخی دیگر و همچنین دادن نفقه مرد ذکر شده (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَمِمَّا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ) و در پایان آیه نیز مسئله ضرب زنان، راهکاری در نشوز زن، بیان شده است (وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ).

درباره این سه مسئله مهم که ظاهراً در آیه به شکل متشابه مطرح شده و برداشت از آیه را در نگاه مفسران و مترجمان قرآن با مشکل مواجه ساخته است، پرسش‌های متعددی شکل گرفته است؛ از آن آیا رجال و نساء در ابتدای آیه (موضوع قوامیت)، نوع مردان و زنان را شامل می‌شود؟ یعنی نوع مردان بر نوع زنان (اعم از جامعه و خانه) قوامیت دارند یا آنکه حکم آیه مختص اجتماع منزلی



و خانواده است و قوامیت مرد بر زن مختص رابطه زن و مرد در محیط خانواده است؟ آیا مراد از ضرب، تنبیه بدنی زنان است؟ و در چنین صورتی، چرا به مردان اجازه ضرب زنان داده شده است؟ چگونه پاسخ به هریک از این پرسش‌ها در مفهوم و ترجمه آیه شریفه بسیار مؤثر است.

#### ۴-۳. شأن نزول آیه و تأثیر آن در ترجمه و مفهوم آیه

نقل‌هایی درباره شأن نزول این آیه شریفه در برخی تفاسیر ذکر شده است مبنی بر اینکه مردی همسرش را سیلی زد و زن از رسول خدا (ص) تقاضای قصاص کرد و حضرت اجازه قصاص دادند، ولی قبل از اجرای قصاص، این آیه نازل شد و حکم قصاص را از آن مرد برداشت. این نقل که در روایات تفسیری شیعه نیامده است، ظاهراً اصل و شروع آن، از مصادر تفسیری و روایی اهل سنت است (برای نمونه رک جصاص، ۱۴۰۵: ۱۴۸/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۷/۵-۳۸؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۱۴۰/۳) و از آنجا به منابع شیعی راه یافته است (رک طوسی، بی تا: ۱۸۹/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳/۶۸).

برخی از مفسران به ویژه مفسران شیعه، به دلایل متعدد بر این شأن نزول، خدشه وارد کرده و آن را معتبر ندانسته‌اند (رک طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۳۴۸-۳۴۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷/۲۲۷-۲۲۸). علامه طباطبایی (ره) دلیل مردود دانستن این شأن نزول را از این جهت می‌داند که این آیه حکم رسول خدا (ص) را باطل نموده و حکم ایشان را تخطئه کرده است و با عصمت رسول خدا (ص) منافات دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۳۴۹).

گفتنی است پذیرش این شأن نزول، مستلزم پذیرش دلالت «قوامیت» بر مفهوم سلطه و زور و خشونت است که در بسیاری از تفاسیر اهل سنت و برخی تفاسیر شیعه و نیز ترجمه‌های قرآن، بر اساس آن، آیه را تفسیر و ترجمه کرده‌اند.

#### ۴-۴. دلالت نوع قوامیت مرد بر زن و تأثیر آن بر ترجمه و مفهوم آیه

میان مفسران دو دیدگاه، درباره نوع قوامیت مرد بر زن در آیه شریفه، مطرح است: بسیاری از مفسران معتقد به عمومیت آیه شریفه بوده و دلالت آیه را بر قوامیت نوع مرد بر نوع زن در جامعه می‌دانند (رک طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۳۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/۳۷۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴/۱۱۳). این گروه از مفسران، سپردن کارهایی نظیر قضاوت، ولایت و حکومت به مردان را بر اساس همین آیه شریفه تفسیر کرده‌اند (رک طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۳۴۷). ترجمه

برخی مترجمان قرآن نیز براساس همین دیدگاه است؛ از جمله ترجمه آیت الله مشکینی که در ترجمه قسمت نخست آیه می‌گوید: «مردان سرپرست زنان اند؛ به سبب آنکه خداوند برخی را بر برخی دیگر (مردان را بر زنان در نیروی فکری و روانی و جسمی) برتری بخشیده (و از این رو ولایت امر جامعه را در رتبه نبوت و امامت و ولایت انتصابی از جانب معصوم، از آن مردان قرار داده است) و نیز مردان سرپرست همسران خویش اند؛ به خاطر آنکه از اموالشان (برای زنان) خرج می‌کنند» (ترجمه مشکینی).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این ترجمه، دلالت قسمت نخست آیه از قسمت دوم جدا شده است؛ یعنی عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» دلیل بر قوامیت نوع مرد بر زن در جامعه و عبارت «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» دلیل بر قوامیت مرد بر زن در محیط خانواده، دانسته شده است.

در میان ترجمه‌ها، ترجمه صفوی اگرچه براساس تفسیر میزان است، ولی این دیدگاه علامه طباطبایی (ره) درباره عمومیت آیه شریفه در قوامیت نوع مردان بر نوع زنان را در ترجمه، مورد توجه قرار نداده است و این بخش آیه شریفه را چنین ترجمه کرده است: «مردان عهده‌دار امور زندگی زنان اند. این از آن روست که خداوند برخی از مردم را بر برخی دیگر به خردمندی و توانمندی بیشتر برتری داده و نیز از آن روست که مردان از اموال خود هزینه زندگی زنان را می‌پردازند» (ترجمه صفوی). در این ترجمه، به نظر می‌رسد که عبارت «عهده‌دار بودن امور زندگی زنان»، مطابق دیدگاه مذکور در ترجمه علامه، نباشد.

در ترجمه آیت الله مکارم که براساس همین دیدگاه نخست است نیز آمده است: «مردان، سرپرست و نگهبان زنان اند؛ به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند». بسیاری از مترجمان نیز روشن نکرده‌اند که مراد از این قوامیت در جامعه است یا محیط خانواده.

در مقابل این دیدگاه، برخی مفسران دلالت آیه شریفه را تنها بر اجتماع منزلی، یعنی قوامیت مرد بر زن براساس آیه شریفه را تنها در محیط خانواده می‌دانند (رک مطهری، ۱: ۱۳۹۱ (مبانی) / ۱۱۴؛ فضل الله، ۱۶۱۹: ۱۷ / ۲۳۰؛ مغنیه، ۱۶۲۴: ۲ / ۳۱۵). دلیل این گروه از مفسران، فضای ادامه آیه و عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» است که اختصاص دلالت آیه بر اجتماعی منزلی و محیط خانواده را می‌رساند (رک مغنیه، ۱۶۲۴: ۲ / ۳۱۵؛ مطهری، ۱: ۱۳۹۱ (مبانی) / ۱۱۳-۱۱۴).





در میان ترجمه‌ها، تنها تعداد اندکی از ترجمه‌های قرآن، تا حدودی، آیه را براساس این دیدگاه، ترجمه کرده‌اند؛ از جمله ترجمه مصباح‌زاده: «مردان کارگزاران و عهده‌داران نفقه‌اند بر زنان به آنچه افزونی داد خدا بعضی ایشان را بر بعضی و به آنچه انفاق کردند از مال هاشان».

#### ۴-۵. مفهوم «قَوَامِیت»

درباره مفهوم «قَوَامِیت» و ترجمه آن، ترجمه‌های بسیار گوناگونی ارائه شده است. تفاسیر قرآن نیز درباره این واژه بسیار گوناگون است و به نظر می‌رسد، گوناگونی ترجمه‌های قرآن درباره این واژه نیز متأثر از همین اختلاف تفاسیر باشد.

مهم‌ترین مفاهیمی که مفسران برای واژه «قَوَامون» در آیه ذکر کرده‌اند، چنین است: «غلبه» (جرجانی، ۱۳۶۲: ۳۴۰/۲)؛ «تسلط در تدبیر و تأدیب و تعلیم» (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۰۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۸/۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۱۱/۱؛ میبدی، بی تا: ۴۹۲/۲)؛ «قیام ولات بر رعایا» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۰۵/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۷۲/۲)؛ «قیام بر زنان در تأدیب آن‌ها» (طبری، ۱۴۱۲: ۳۷/۵)؛ «رئیس و کبیر و حاکم بر زن و تأدیب‌کننده او» (ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۲/۲۵۶). برخی از این مفاهیم (مفاهیمی که در آن‌ها معنی سلطه و زور نهفته است) متأثر از همان شأن نزول خدشه‌پذیری است که بیان کردیم.

گروهی از مفسران نیز با بیان مفهومی متعادل‌تر، به مفهوم «سرپرستی خانواده»، مردان را سرپرست و خدمتگزار زنان دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/۳۶۹). برخی نیز آن را به معنی قوامیت مردان بر زنان در دو بُعد تکوین و تشریح، به معنی پاسداری مردان نسبت به زنان ذکر کرده‌اند؛ زیرا مردان نیروی پاسداری‌شان در کل جهات عقلی، مالی و جسمی، نوعاً بیشتر از زنان است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱/۳۷۶-۳۷۷؛ صادقی تهران، ۱۴۰۶: ۷/۳۶) و تفاسیر دیگر.

علامه طباطبایی (ره)، قیم را به معنی کسی دانسته که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است و کلمه «قَوَام» مبالغه در همین قیام است و سبب قوام بودن مرد زیادت‌هایی است که خداوند به مردان داده است، اعم از عقل و توانایی بدنی، برحسب طاقتی که بر اعمال دشوار و امثال آن دارند؛ زیرا زندگی زنان یک زندگی احساسی و عاطفی است که اساس و سرمایه‌اش رقت و لطافت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۳۴۳).

همان‌گونه که گذشت، ترجمه‌های قرآن نیز متأثر از تفاسیر، مفاهیمی مشابه

برای این واژه ذکر کرده‌اند؛ از جمله، سرپرست و قائم بر امور معاش زنان (آدینه‌وند)؛ تسلط و حق نگهبانی (الهی قمشه‌ای)؛ کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنان (انصاریان)؛ پاسداران زنان (ترجمان فرقان)؛ عهده‌دار امور زندگی زنان (صفوی)؛ سرپرست زنان (فولادوند و مشکینی)؛ سرپرست و نگهبان زنان (مکارم)؛ کار اندیش زنان (پاینده)؛ سرپرست و قیم زنان (کاویانپور) و غیره.

#### ۴-۶- نقد دیدگاه‌ها و تبیین دقیق مفهوم قوامیت با توجه به ریشه لغوی آن (تبیین دیدگاهی نوین)

واژه «قَوَامُونَ» از ماده «قوم» است که این ماده در اصل به معنی عزم و اراده بر محافظت، انتصاب (از ماده نصب به معنی برافراشتن و بالاتر و بلندتر قرار دادن چیزی) (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/ ۴۳) و به فعلیت رسانیدن کار (خواه مادی و یا معنوی) (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۹/ ۳۴۱) و قیام از همین ماده که به معنی عمود یا پایه و تکیه‌گاه و ستونی است که چیزی به وسیله آن بالا می‌رود و نظم می‌یابد و قوام به معنی عدل و اعتدال است (رافعی، ۱۴۱۴: ۲۰/ ۵۲۰)؛ یعنی قرار دادن هر چیزی در جایگاه خود؛ بنابراین عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» در آیه شریفه، بیانگر نقش و وظیفه مرد در برابر زن و در خانواده است که عبارت است از، به فعلیت رسانیدن استعدادها در خانواده، مانند پایه و تکیه‌گاه و ستونی که دیگر اعضای خانواده با اعتماد به او و به وسیله او رشد می‌یابند، جایگاه خود را یافته و استعدادهای خود را به فعلیت می‌رسانند؛ اعتدال و نظم بخشی به امور خانواده، بالابرنده و رشد دهنده خانواده و حفظ و نگهدارنده خانواده به این معانی است که بیان شد.

#### ۴-۷- فلسفه قوامیت مرد بر زن در آیه

درباره اینکه چرا مردان بر زنان قوامیت دارند، خود آیه شریفه دو دلیل را ذکر کرده است: دلیل نخست، با عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»؛ و دلیل دوم با عبارت «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».

درباره دلیل دوم، تقریباً قریب به اتفاق مفسران پذیرفته‌اند که یکی از دلایل قوام بودن مردان بر زنان، تعهدات مالی است که مردان در برابر زنان و خانواده بر عهده دارند (بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)؛ ولی درباره دلیل نخست، دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است که در ترجمه آیه شریفه بسیار تأثیرگذار است.



#### ۴-۷-۱- تعبیر فضل در آیه و برداشت مفسران و مترجمان از آن

بیشتر مفسران و مترجمان، ابتدا معنی «افضلیت» و «برتری» درباره مفهوم فضل را پذیرفته‌اند و آنگاه به صورت یک سویه آیه را در برتری مردان در تعقل و برخی جهات دیگر دانسته و این گونه معنی کرده‌اند که خداوند مردان را بر زنان برتری و امتیاز داده است که در این آیه، مراد از برتری مردان بر زنان در قوامیت است و یا در نگاهی خوش بینانه‌تر، مردان نسبت به زنان اضافات و در نتیجه مسئولیت بیشتری دارند (رک زحیلی، ۱۴۱۱: ۵۴/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳/۳) و اینکه چرا خداوند در این آیه چنین تعبیری را به کار برده و مردان را بر زنان این گونه، با چنین عبارتی، برتری داده است، اقوال گوناگونی ذکر شده است.

به گفته محمد جواد مغنیه، این تعبیر به این دلیل آمده است که ممکن است در میان زنان، زنی با فضیلت‌تر از هزاران مرد یافت شود؛ بنابراین با واژه «بعض» تعبیر شده است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۳۱۵).

#### ۴-۷-۲- نقد دیدگاه‌های دیگر به مفهوم «فضل» در آیه با توجه به معنی لغوی واژه

برخلاف آنچه بیشتر مفسران و مترجمان بیان داشته‌اند، در این آیه، سخن از فضیلت گروهی در مقابل نقصان گروهی دیگر نیست؛ مفسران و مترجمان قرآن با مفروض گرفتن مفهوم «فضل» به معنی «برتری»، همواره به دنبال یافتن وجه این برتری بوده‌اند. و در این میان، به اموری اشاره کرده‌اند که به پندار آنان، موجب این برتری شده است؛ مانند قوه علم، عقل، حسن رأی و تصمیم‌گیری که موجب قوامیت مرد بر زن می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۹/۳)؛ دوران‌دیشی، جهاد، ایراد خطبه‌های نماز جمعه، اذان گفتن، داشتن همسران متعدّد و اختیار طلاق (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/۲۵۳)، کمال روزه، قضا، شهادت، تفاوت در ارث (کاشانی، بی تا: ۱۸/۳)، استحقاق نبوت، امارت و خلافت (میبدی، بی تا: ۲/۴۹۲) و وجوه دیگری که در تفاسیر آورده‌اند.

اما آنچه باید بدان توجه داشت این است که آیه شریفه بیانگر نقش و وظیفه مرد در برابر زن و در خانواده است؛ بنابراین در این آیه، سخن از فضیلت گروهی در مقابل نقصان گروهی دیگر و کمال و برتری مرد بر زن نیست. به عبارتی، خداوند در آیات شریفه، در صدد بیان افضل و مفضول نیست؛ آن چنان که قریب به اتفاق مفسران و مترجمان قرآن پنداشته‌اند؛ زیرا روشن است که معیار کمال انسان، بر اساس نص صریح آیات قرآن کریم، ایمان و عمل صالح است؛ بنابراین با توجه به قوامیت مطرح در این آیه که عبارت از نقش و وظیفه مرد در برابر زن و در خانواده است و همچنین با توجه به ماده لغوی «فضل» است

که همان گونه که لغت شناسان بیان داشته اند، به معنی «زیادت در چیزی است» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۴: ۵۰۸)؛ همچنین با توجه به سیاق آیه شریفه، مراد از «فضل»، مانند آیه ۳۲ همین سوره، تعهدات هریک از مرد و زن در برابر یکدیگر در خانواده و تعهدات بیشتر مرد در مسائل اقتصادی با توجه به عبارت «مَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» است.

درباره حقوق و تکالیف هریک از زن و مرد در خانواده نسبت به یکدیگر، برخی فقها این حقوق و تکالیف را متفاوت و برخی مساوی (و نه مشابه) می دانند. برای مثال، صاحب جواهر معتقد است هریک از زوجین بر دیگری حقی دارد که واجب است صاحب حق آن حق را به پا دارد؛ گرچه حق شوهر بر زن به مراتب بیشتر است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/ ۱۴۶).

ولی از دیدگاه شهید مطهری (ره)، هریک از زن و مرد، طبیعت خاص خود را در آفرینش دارند و این تفاوت در طبیعت، حقوق و مسئولیت های خاص خود را می طلبد. شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، تساوی حقوق و تکالیف زن و مرد (و نه تشابه) را مطرح می نماید؛ به عبارتی، حقوق و تکالیف زن و مرد مساوی است، اما مشابه نیستند؛ زیرا توانایی ها، ظرفیت ها و قابلیت های زن و مرد، به لحاظ روانی، بدنی و روحی، با یکدیگر متفاوت است؛ بنابراین اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، بلکه با تشابه حقوق آن ها مخالف است (رک مطهری، ۱۳۷۲: ۱۹؛ مطهری، ۱۳۷۲: ۲۴). این تفاوت در حقوق، موجب تفاوت مسئولیت ها می شود.

گفتنی است، نوع نگاه به حقوق و مسئولیت های زن و مرد موجب شده است تا درباره آیه ۳۴ سوره نساء نیز مباحثی چالش برانگیز میان مفسران و فقیهان مطرح شود؛ از یک سو نسبت به قیومیت مرد در خانواده که آیا حق است یا تکلیف؟ و از سوی دیگر، نسبت به عبارت «مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و تعبیر «فضل» در آیه که آیا بیانگر برخی برتری های مرد نسبت به زن است یا مفید معنای دیگری است؟

#### ۴-۸- تعامل مفسران و مترجمان با واژه ضرب

در میان مفسران شیعه و اهل سنت، هیچ مفسری ضرب را به صورت مطلق و بدون قید و شرط نپذیرفته است. بسیاری از مفسران و فقیهان این ضرب را مقید کرده اند به غیر مبرح بودن (شدید نبودن) (رک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱/۳۷۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳۷؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۱/۱۵۵-۱۵۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۷/۵ و ۴۳-۴۴؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۳؛ الطبرانی، ۲۰۰۸: ۲/۲۱۰؛



جصاص، ۱۴۰۵: ۳/۱۵۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۵/۱۷۲-۱۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۶۹) و غیر مدم بودن (نباید موجب خونریزی شود) (سبزواری، ۱۴۱۹: ۸۹؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۲/۲۸۶).

بسیاری از مفسران نیز واژه «ضرب» در آیه شریفه را به تنبیه بدنی زنان به قصد تأدیب و نه برای انتقام و فرونشاندن خشم خود (رک: مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۳۱۷) و برخی نیز از باب نهی از منکر ذکر کرده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲/۲۳۲؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵: ۳/۲۶۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۷/۴۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۸۴) که در نتیجه ظاهراً از نگاه آنان، حکم آیه شریفه درباره ضرب زنان، حکم مولوی است؛ در مقابل، برخی این حکم را ارشادی دانسته‌اند (امین، بی تا: ۴/۶۴) ولی به نظر می‌رسد که باتوجه به فضای آیه شریفه و موضوع قوامیت و بحث حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد در برابر یکدیگر در خانواده مطرح و در ابتدای آیه، مراد از ضرب نیز باید به گونه‌ای دیگر و مرتبط با همان بحث و در همان فضا، تفسیر شود.

### نگاهی به ترجمه‌ها:

قریب به اتفاق ترجمه‌های قرآن چنین تعبیری را در ترجمه عبارت «در آیه شریفه آورده‌اند:

آنان را [به گونه‌ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید (انصاریان)؛  
آن‌ها را تنبیه کنید (آدینه وند، مکارم)؛

(در محدوده دستور شرع) آن‌ها را بزنید (مشکینی)؛

آنان را بزنید (پاینده، آیتی، صفوی، فولادوند، معزی)؛

آنان را به زدن تنبیه کنید (الهی قمشه‌ای، کاویانپور)؛

آنان را (از باب نهی از منکر) بزنید (ترجمان فرقان).

### ۴-۹- مفهوم صحیح «ضرب» بر اساس روایات تفسیری

باتوجه به مفهومی که درباره «قوامیت» مرد در خانواده بیان گردید، مفهوم «ضرب» نیز روشن می‌شود؛ زیرا ضرب نیز از جمله راهکارهای قرآن برای بقای خانواده است.

در این بخش، آیه شریفه از زنانی سخن می‌گوید که مطیع امر پروردگار در حقوق زناشویی همسر خویش نیستند و در اینجا قرآن کریم سه راهکار را برای حل این مسئله مطرح کرده است و بر اساس مسئولیت قوامیت مرد (و نه حق او)، به او اجازه داده است که برای صیانت از کیان خانواده و جلوگیری از فساد، این سه



دوره دوم  
شماره اول  
پیاپی: ۳  
بهار و تابستان  
۱۴۰۲

راهکار را به ترتیب در پیش گیرد:

نخست، «موعظه و نصیحت»، سپس «کناره‌گیری در بستر» و سوم، ضرب که در این آیه شریفه، به معنی اعمال زور یا تشرّ توّسط مرد برای حلّ مسئله و ارضای غریزه جنسی خود و همسرش است. این معنی از طریق برخی روایات تفسیری به دست می‌آید. در میان روایات تفسیری شیعه، در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده است که حضرت در تبیین مسئله ضرب در آیه شریفه، فرمودند که ضرب با مسواک است «عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/ ۴۷۸؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/ ۷۵). حتی در برخی منابع اهل سنت نیز بر این نوع ضرب (با مسواک) از قول ابن عباس یا عطاء در تبیین نوع ضرب آمده است (طبری، ۱۴۱۲: ۵/ ۴۴؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۳/ ۹۴۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱/ ۶۱۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۵/ ۱۷۳؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳۷۱/ ۱).

در این برداشت، ضرب از مفهوم عرفی به مفهوم شرعی منطبق با آیه تفسیر می‌شود. همچنین براین اساس، ضرب در این آیه، تنبیه بدنی نیست؛ بلکه نوعی اقدام عملی مسئولیت‌محور برای ارضای غریزه جنسی هریک از زن و مرد و حفظ و بقای خانواده و جلوگیری از فساد است.

#### ۴-۱۰. ترجمه نوین ارائه شده از آیه شریفه با توجه به رابطه قوامیت با ضرب زنان در آیه

بر اساس آنچه درباره مفهوم «قوامیت» و «فضل» و نیز ارتباط آن با «ضرب» بیان گردید، ترجمه دقیق پیشنهادی این پژوهش برای این آیه شریفه، چنین خواهد بود:

«مردان تکیه‌گاه و ستون رشد‌دهنده زنان [در خانواده] هستند [که به وسیله آن‌ها، زنان استعداد‌های خود را به فعلیت می‌رسانند و نظام خانواده، اعتدال و انتظام می‌یابد]. [این نقش] به جهت [مسئولیت‌های] بیشتری است که خداوند بر عهده برخی از شما نسبت به دیگری نهاده است (این نوع سرپرستی و مسئولیت در نظام خانواده، بر عهده مرد است) و نیز به جهت آنکه آنان از اموالشان، هزینه‌های زندگی را می‌پردازند. پس زنان صالح، با خضوع و رغبت به مسئولیت‌های خود عمل می‌کنند و حافظ اسرار [منزل] هستند؛ به سبب اینکه خداوند [آن اسرار] را حفظ کرده است [و آن‌ها را به عنوان سرّ قرار داده است] و زنانی را که از سرپیچی آنان [در واجبات زناشویی‌تان] بیم دارید؛ [در مرحله نخست] آن‌ها را [به‌گونه‌ای همراه با نرمی زبان] پند دهید [که در قلبشان تأثیر نهد به‌گونه‌ای که آنان را از سرپیچی در امور زناشویی منصرف کند]؛ و [اگر



سود نداد و به سرپیچی خود ادامه دادند، در مرحله بعد] در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید؛ [و اگر بازهم سود نداد، در مرحله سوم] آنان را [با زور، تَشْر [بزنید] و غریزه خود و او را ارضاء کنید؛] پس اگر [از سرپیچی دست برداشتند و] اطاعت کردند، [دیگر] هیچ راهی [برای بهانه و یا سرزنش آن‌ها] مجوید؛ که خداوند بلندمرتبه بزرگ است».

### ۵- آیه تمنی (نساء: ۳۲)

در آیه شریفه ۳۲ سوره نساء نیز مانند آیه ۳۴، سخن از فضیلت گروهی در مقابل نقصان گروهی دیگر نیست؛ به عبارتی، در این آیه، خداوند افضل و مفضل را بیان نکرده است؛ زیرا مراد از «فضل»، در اصل لغت به معنی زیادتِ پسندیده (ابن فارس، ۵۰۸/۴) و افزونی است که لازم است وجود داشته باشد و براساس همان لزوم، مقرّر و تعیین شده است (مصطفوی، ۱۰۶/۹). در این آیه شریفه، خداوند نهی می‌کند از اینکه انسان، هریک از زن و مرد، آرزوی داشتن حقوق و مسئولیت‌های یکدیگر را کنند؛ مسئولیت‌هایی که درباره هریک از آن دو (باتوجه به طبیعت آن‌ها)، برخی را نسبت به برخی دیگر بیشتر قرار داده است؛ یعنی برخی مسئولیت‌های مرد نسبت به زن و برخی مسئولیت‌های زن نسبت به مرد را بیشتر قرار داده است؛ برای مثال، همان‌گونه که مسئولیت اقتصادی مرد در تأمین معاش و نفقه خانواده نسبت به زن بیشتر است، مسئولیت زن نیز در مدیریت کانون عاطفی خانواده و تربیت فرزندان، نسبت به مرد، بیشتر است. به گفته آیت‌الله جوادی آملی، سپردن مدیریت خانواده و مسئولیت‌های سنگین به مرد، به سبب توانمندی‌های بیشتر او در تدبیر و مدیریت بوده نه به سبب فضیلت و قرب بیشتر او به خداوند. ایشان همچنین در جای دیگر اشاره می‌کند که اگر مبنای قیومیت مرد آیه «الرَّجَالُ عَلَيْهِمْ دَرَجَةٌ» باشد، در مقابلش تعبیرهای «هُنَّ مِثْلُ الذِّیْ عَلَيْهِنَ» (بقره/۲۲۸) یا «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) وجود دارد که نشان می‌دهد زن و شوهر، هرکدام، حقوق و وظایفی دارند و کلمه «درجه» در آیه مزبور، دلیل بر ارزش افزوده وجودی نیست، بلکه ناظر بر امور اجرایی است که هرگز دلیل فضیلت و قرب به خدا نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۵۲-۵۵۳).

بنابراین فضل، فزونی است و آیه شریفه در مقام بیان فزونی قوه تعقل مرد بر زن یا برتری‌های دیگر نیست؛ بلکه تنها تکالیف و مسئولیت‌های هریک از زن و مرد را گوشزد می‌کند و این تکالیف را براساس توانایی‌ها و استعدادها هریک قرار داده است و روشن است که این تفاوت در نقش‌ها و مسئولیت‌ها

در برابر یکدیگر در خانواده، نه تنها تبعیض نیست، بلکه عین عدالت و براساس حقوق و مسئولیت‌های متقابل زن و مرد در برابر یکدیگر برای رسیدن به کمال مطلوب خانواده است.

بنابر جستجویی که در میان ترجمه‌های قرآن کریم صورت گرفت، هیچ‌یک از مترجمین این نکته لغوی در ترجمه واژه «فضل» را در نظر نگرفته و این واژه در این آیه را نیز به «برتری» ترجمه کرده‌اند که به نظر می‌رسد، موهم ایجاد شبهه برتری مرد بر زن باشد؛ درحالی‌که آیه شریفه بیانگر فزونی مسئولیت‌های هریک از این دو نسبت به یکدیگر است و آن‌ها را از آرزوی داشتن مسئولیت‌های یکدیگر، نهی می‌کند.

براساس آنچه درباره این آیه شریفه بیان گردید، ترجمه دقیق پیشنهادی این پژوهش برای این آیه شریفه، چنین خواهد بود:

«آرزو نکنید آنچه را که خداوند به وسیله آن، [حقوق و مسئولیت] برخی از شما را نسبت به برخی دیگر بیشتر کرده است، مردان از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای دارند؛ و زنان [نیز] از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای دارند؛ و از خداوند بخواهید [که شما را] از فضلش [بهره‌مند سازد] که به یقین، خداوند به هر چیزی داناست.»

## ۶- آیه درجه (بقره/ ۲۲۸)

در این آیه شریفه نیز مانند آیات ۳۲ و ۳۴ سوره نساء، سخن از «فضل» است، منتها با تعبیر «درجه». و با این تفاوت که در آیه ۳۴ سوره نساء، به فضل برخی بر برخی دیگر اشاره شده است و در این آیه به داشتن درجه مرد بر زن.

درباره این آیه شریفه نیز مانند آیات ۳۲ و ۳۴ سوره نساء، مفسران با مفروض گرفتن مفهوم «درجه»، به معنی «برتری» و «فضیلت و مرتبتی برای مردان»، همواره به دنبال یافتن وجه این برتری بوده‌اند. و در این میان، به اموری اشاره کرده‌اند، مانند لزوم اطاعت زنان از مردان و بودن اختیار زنان به دست مردان، بیشتر بودن ارث مرد، برتری مرد در جهاد، بهره‌مندی بیشتر مرد در تمتعات جنسی به سبب وجوب نفقه زن و سرپرستی او و برخی اقوال دیگر که حاکی از برتری مردان بر زنان در مواردی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۷۵). اما آنچه باید بدان توجه داشت این است که این آیه شریفه نیز مانند آیه ۳۴ سوره نساء، بیانگر نقش و وظیفه مرد در برابر زن و در خانواده است؛ بنابراین در این آیات، سخن از فضیلت گروهی در مقابل نقصان گروهی دیگر و کمال و برتری مرد بر زن نیست؛ به عبارتی، در این آیات شریفه، خداوند در صدد بیان افضل و مفضول نیست؛ آن‌چنان‌که قریب





به اتفاق مفسران و مترجمان قرآن پنداشته‌اند؛ زیرا روشن است که معیار کمالِ انسان براساس نصّ صریح آیات قرآن کریم، ایمان و عمل صالح است. براین اساس، باتوجه به قَوَامِیتِ مطرح مرد در آیه ۳۴ سوره نساء که عبارت از به فعلیت رسانیدن استعدادها در خانواده است، مانند پایه و تکیه‌گاه و ستونی که دیگر اعضای خانواده با اعتماد به او و به وسیله او رشد می‌یابند و بالا می‌روند و نیز باتوجه به ماده لغوی کلمه «درجه» در آیه مورد بحث (بقره/ ۲۲۸) که عبارت از «حرکت صعودی تدریجی مخصوص همراه با احتیاط و دقت» است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۹۱/۳) و همچنین باتوجه به سیاق آیه که بیانگر وظیفه متقابل هریک از زن و مرد در برابر یکدیگر است (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ)، بنابراین مراد از «درجه» مرد بر زن در عبارت لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (همچون آیه ۳۴ سوره نساء)، تعهدات وی در برابر زن و وظیفه‌ای است که از سوی خداوند متعال بر عهده او نهاده شده است و نه برتری و فضیلت او نسبت به زن. براساس آنچه درباره این آیه شریفه بیان گردید، ترجمه دقیق پیشنهادی این پژوهش برای آیه شریفه، چنین خواهد بود:

«و زنان طلاق داده شده، باید مدّت سه مرتبه پاکی [از عادت ماهانه] را انتظار کشند [و عده نگاه دارند و پیش از سر رسیدن آن، از ازدواج خودداری کنند]؛ و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارند، نباید آنچه را خدا در رحم آنان آفریده است، کتمان کنند. و شوهرانشان در این [مدّت]، اگر خواهان اصلاح باشند، برای بازگرداندن آن‌ها [به زندگی دوباره] سزاوارترند. و مانند همان [وظایفی] که [به سود مردان] بر عهده زنان است؛ به طور شایسته، به نفع آنان [نیز بر عهده مردان] است و مردان نسبت به آنان تعهداتی دارند؛ و خداوند مقتدر شکست‌ناپذیر [و] حکیم است.»

## ۷- آیه ۳۶ سوره آل عمران

بسیاری از مفسران جمله «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» را تتمه کلام همسر عمران گرفته‌اند و آنگاه در اینکه چرا در آیه نفرموده «وَلَيْسَ الْاُنْثَى كَالذَّكَرِ» و توجیه اینکه چرا فرموده است: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى»، خود را به تکلف و بیان توجیهات گوناگون انداخته‌اند که بی نتیجه بوده است (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۹/۳-۱۶۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۰۴/۸). به نظر می‌رسد، بهترین تفسیر از آن علامه طباطبایی (ره) است، مبنی بر اینکه الف و لام در دو کلمه «الذکر» و «الانثی»، الف و لام عهد است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۲/۳)؛ باین تفاوت که در «الذکر»، الف و لام عهد ذهنی و اشاره به آن پسری است که مریم در ذهن خود، به دنیا آوردن او را انتظار و آرزو

داشت؛ و در «الأنثی»، الف و لام عهد حضوری و اشاره به وجود حضرت مریم (س)، یعنی دختری است که اکنون مادرش به دنیا آورده بود و در نزد او بود. البته علامه به عهد ذهنی یا حضوری بودن الف و لام در دو کلمه، اشاره نکرده است، ولی از سیاق آیه شریفه برمی آید که چنین باشد. این ترجمه در صورتی است که جمله «و لیس الذکر کالأُنثی»، سخن خداوند باشد؛ ولی در صورتی که این جمله را ادامه سخن مادر مریم (س) بدانیم، در آن صورت، ترجمه آیه (با فرض عهد ذهنی بودن الف و لام اول و عهد حضوری بودن الف و لام دوم) چنین خواهد بود: «آن پسری که من در نظر داشتم، مانند این دختری که به دنیا آورده‌ام، نیست (توانایی‌های پسر برای آن کاری که مورد نظر من بود، بیشتر است).

گفتنی است حالت دیگری را نیز می‌توان درباره جمله و الف و لام در نظر گرفت و آن اینکه جمله یادشده، سخن خداوند باشد؛ و الف و لام در کلمه «الذکر»، جنس و در کلمه «الأنثی»، عهد حضوری باشد؛ در آن صورت، ترجمه آیه شریفه چنین خواهد بود: «هیچ پسری مانند این دختر [ی که تو به دنیا آورده‌ای] نیست»؛ که البته مراد از «هیچ پسری»، پسران و مردان آن عصر است و نه همه دوره‌ها؛ زیرا روشن است که مقام رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) بالاتر از مریم (س) خواهد بود؛ بنابراین مراد این خواهد بود که: «هیچ پسری [در این عصر] مانند این دختر [ی که تو به دنیا آورده‌ای] نیست». در روایات اهل بیت (ع) نیز آمده است که مریم سرآمد زنان زمان خود بود، ولی فاطمه زهرا (س) سرآمد زنان در طول تاریخ است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۶/۲).

### ترجمه برگزیده

[یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: «پروردگارا! من آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم که آزاد [در راه خدمت به تو] باشد؛ پس از من بپذیر که تو شنوای دانایی» (آل عمران/ ۳۵) (خادم بیت المقدس باید پسر باشد و زن عمران گمان می‌کرد حملش پسر است). ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، [او او را دختر یافت، از روی حسرت] گفت: «پروردگارا! من دختر زاییده‌ام!» (و خدا به آنچه او به دنیا آورده بود، کاملاً آگاه بود) و آن پسر [که او در نظر داشت و برای خدمت در راه ما می‌خواست، در کرامت و فضیلت،] مانند این دختر [ی که به دنیا آورد،] نیست؛ [آنگاه همسر عمران گفت:] «و من نام او را «مریم» نهادم؛ و او و نسلش را از [شر] شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم» (آل عمران/ ۳۶).



## نتیجه‌گیری:

پس از بازیابی مفهوم دقیق لغوی تعابیر یادشده در قرآن که در این نوشتار بدان پرداخته شد، نتایج زیر در ترجمه و تفسیر و فهم آیات به دست می‌آید:

۱- باتوجه به مفهوم لغوی «قَوَامِیت» که در اصل لغت به معنی عزم و اراده بر محافظت و به فعلیت رسانیدن کار است و قیام از همین ماده که به معنی عمود یا پایه و تکیه‌گاه و ستونی است که چیزی به وسیله آن بالا می‌رود و نظم می‌یابد و همچنین باتوجه به فضای آیه، روشن می‌شود که عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، در آیه شریفه، ناظر بر نقش و وظیفه مرد در برابر زن و در خانواده است که عبارت است از: به فعلیت رسانیدن استعدادها در خانواده، مانند پایه و تکیه‌گاه و ستونی که دیگر اعضای خانواده با اعتماد به او و به وسیله او رشد می‌یابند، جایگاه خود را یافته و استعدادهای خود را به فعلیت می‌رسانند.

۲- توجّه به مفهوم لغوی «فضل» (زیادت در چیزی)، روشن می‌کند که در آیه ۳۴ سوره نساء، سخن از فضیلت گروهی در مقابل نقصان گروهی دیگر و کمال و برتری مرد بر زن نیست (آنچنان که قریب به اتفاق مفسران و مترجمان قرآن پنداشته‌اند)، بلکه باتوجه به قوامیت مطرح در این آیه که عبارت از نقش و وظیفه مرد در برابر زن و در خانواده است و همچنین باتوجه به ماده لغوی «فضل» و باتوجه به سیاق آیه شریفه، مراد از «فضل»، مانند آیه ۳۲ همین سوره، تعهدات هریک از مرد و زن در برابر یکدیگر در خانواده و تعهدات بیشتر مرد در مسائل اقتصادی است و در آیه ۳۲ همین سوره، خداوند نهی می‌کند از اینکه هریک از زن و مرد، آرزوی داشتن حقوق و مسئولیت‌های یکدیگر را داشته باشند؛ مسئولیت‌هایی که درباره هریک از آن دو (باتوجه به طبیعت آن‌ها)، برخی را نسبت به برخی دیگر بیشتر قرار داده است؛ یعنی برخی مسئولیت‌های مرد نسبت به زن و برخی مسئولیت‌های زن نسبت به مرد را بیشتر قرار داده است. این مطلب در آیه ۲۲۸ سوره بقره نیز آمده است، اما با تعبیر «درجه». و با این تفاوت که در آیه ۳۴ سوره نساء، به فضل برخی بر برخی دیگر اشاره شده است و در این آیه به داشتن درجه مرد بر زن.

۳- باتوجه به مفهوم «قَوَامِیت» که بیانگر مسئولیت مرد در خصوص حفظ و تعالی زن و خانواده است، مفهوم «ضرب» نیز روشن می‌شود که راهکار سوم حل مسئله و مشکل به وجود آمده میان زن و شوهر (پس از دو مرحله «موعظه و نصیحت» و سپس «کناره‌گیری در بستر») برای صیانت از کیان خانواده و جلوگیری از فساد زن و مرد است؛ و آن اعمال زور یا تشرّ مرد برای حل مسئله و ارضای غریزه جنسی

خود و همسرش است.

۴- آنچه بسیاری از مترجمان قرآن را درباره آیات متشابه و مشکل قرآن کریم، به ویژه در آیات مربوط به حقوق و مسئولیت های زن و مرد، به خطا واداشته است، نگاه جنسیتی به این آیات و عدم توجه دقیق به معنای لغوی واژگان است؛ مانند آنچه بسیاری از مفسران را به چنین برداشت هایی درباره عبارت «و لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» در آیه ۳۶ سوره آل عمران سوق داده است.

۵- و در نهایت باید گفت که قریب به اتفاق ترجمه های قرآن بدون توجه به ریشه دقیق لغت و تعبیر آیات و تنها تحت تأثیر فضای تفاسیر به ارائه ترجمه چنین آیاتی در قرآن کریم پرداخته اند.



## منابع

- قرآن کریم، ترجمه آدینه‌وند، آیتی، الهی قمشاهی، انصاریان، پاینده، صادقی تهرانی، صفوی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، معزی، مکارم و دیگران.
۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵). «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی». به گردآوری سناء بزيع شمس الدين و ابراهيم شمس الدين، تحقيق على عبدالبارى عطيه. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
  ۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). «تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)». تحقيق اسعد محمد طيب. رياض: كنية نزار مصطفى الباز، چ سوم.
  ۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲). «زاد المسیر فی علم التفسیر». تحقيق عبد الرزاق مهدي. بيروت: دارالكتاب العربي.
  ۴. ابن عاشور، محمد طاه (۱۴۲۰). «تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسیر ابن عاشور». بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
  ۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). «معجم مقاييس اللغة». تصحيح و تحقيق عبدالسلام محمد هارون. قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
  ۶. امين، نصرت بیگم (بی تا). «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن». [بی نا]: [بی جا].
  ۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵). «البرهان فی تفسیر القرآن». قم: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
  ۸. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰). «تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل». تحقيق عبد الرزاق مهدي. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
  ۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). «أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البيضاوی)». به كوشش محمد عبدالرحمن مرعشلی. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
  ۱۰. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۳۶۲). «تفسیر شاهي آیات الأحكام». مقدمة ولی الله اشراقی. تهران: نوید.
  ۱۱. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). «احكام القرآن». تحقيق محمد صادق قمحاوی. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
  ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). «تفسیر تسنیم»، جلد ۱۸. قم: اسراء.
  ۱۳. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵). «تفسیر الخازن المسمى لباب التأویل فی معانی التنزیل». تصحيح عبدالسلام محمد علی شاهین. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بيضون.
  ۱۴. زحلی، وهبه (۱۴۱۱). «التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج». دمشق: دار الفكر، چ دوم.
  ۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۲). «الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل». تصحيح مصطفى حسين احمد. بيروت: دار الكتاب العربي، چ سوم.
  ۱۶. سبزواری، محمد (۱۴۱۹). «ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن». بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
  ۱۷. سبزواری، محمد (۱۴۰۶). «الجدید فی تفسیر القرآن المجید». بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
  ۱۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹). «البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن». قم: مكتبة محمد الصادق الطهرانی.
  ۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸). «ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم». قم: شكرانه.
  ۲۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶). «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة». قم: فرهنگ اسلامی، چ دوم.
  ۲۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱). «تفسیر القرآن العزیز المسمى تفسیر عبدالرزاق». بيروت: دار المعرفة.

۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). «المیزان فی تفسیر القرآن». بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ دوم.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)». اربد (اردن): دار الكتاب الثقافی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). «تفسیر جوامع الجامع». تصحیح ابوالقاسم گرگی. قم: حوزه علمیة قم، مرکز مدیریت.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو، چ سوم.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). «جامع البیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار المعرفة.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). «التبیان فی تفسیر القرآن». تصحیح احمد حبیب عاملی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). «تفسیر نور الثقلین». تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان، چ چهارم.
۲۹. فاضل جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۵). «مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام». تصحیح محمدتقی کشفی و محمد باقر شریف زاده. تهران: مرتضوی، چ دوم.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)». بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ سوم.
۳۱. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹). «من وحی القرآن». بیروت: دار الملائک.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی». قم: موسسه دار الهجرة، چ دوم.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). «الجامع لأحكام القرآن». تهران: ناصر خسرو.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). «تفسیر القمی». تحقیق طیب موسوی جزایری. قم: دار الكتاب، چ سوم.
۳۵. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (بی تا). «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین». تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم». تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴). «التفسیر الکاشف». قم: دار الكتاب الإسلامی.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). «حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام». تهران: دبیرخانه بینش مطهر.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). «مجموعه آثار استاد شهید مطهری». قم: صدرا، چ هشتم.
۴۰. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). «تفسیر مقاتل بن سلیمان». تحقیق عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (جمعی از نویسندگان) (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه». تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ دهم.
۴۲. مبیدی، احمد بن محمد (بی تا). «کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)». به کوشش علی اصغر حکمت، برگرفته از تفسیر عبد الله بن محمد انصاری. تهران: امیر کبیر، چ پنجم.
۴۳. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ق). «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام». تصحیح و تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ هفتم.

## References:

Holy Qur'an [With the translations of Adina Vand, Ayati, Ilahi Qomshaei, Ansarian, Payandeh, Sadiqi Tehrani, Safavi, Foladvand, Kavianpour, Garmarodi, Mishkini, Muizzi, Makārim and others].

1. 'Arūsī Ḥuwayzī, Abd-'Alī ibn Juma' (1415 AH). Tafsīr Nūr Al-Thaqalayn (fourth edition). Annotator: Seyyed Hashim Rasuli Mahallati. Qom: Ismailian Publications.
2. Ālūsī, Seyyed Maḥmūd (1415 AH). Rūḥ al-Ma'āni fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm wa al-Sab' al-Mathānī. Annotator: Ali Abd al-Bārī 'Atiyya, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
3. Amin, Nusrat Begum (n.d). Tafsīr Makhzan Al-'Irfān dar 'Ulūm Qur'an.
4. Baghawi, Ḥussein Ibn Mas'ūd (1420 AH). Tafsīr Al-Baghawi [Mu'alim Al-Tanzīl]. Annotator: Abdul Razzaq Al-Mahdi. Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth al-Arabi.
5. Bahrānī, Seyyed Hāshim ibn Sulaiman (1415 AH). Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'ān. Qom: Bi'that Foundation [The Islamic Studies section].
6. Beydāwī, 'Abd Allah ibn 'Umar (1418 AH). Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl [Tafsīr Al-Beydāwī]. Annotator: Muḥammad Abd al-Raḥman al-Marashli. Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī, first edition.
7. Fādīl Jawād, Jawād ibn Sa'id (1365 SH). Masālik al-Iḥām ilā Āyāt al-Aḥkām (second edition). Annotators: Muḥammad Taqqi Kashfi & Muḥammad Baqir Sharifzadeh. Tehran: Murtadavi Publications.
8. Faql al-Allah, Muḥammad Hussein (1419 A.H). Min Waḥy al-Qur'ān. Beirut: Dār al-Milāk.
9. Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar (1420 AH). Tafsīr Al-Kabīr [Mafātiḥ Al-Ghayb] (third edition). Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī.
10. Fayyūmi, Aḥmad ibn Muḥammad (1414 A.H). Al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr li-Rāfi'ī (second edition). Qom: Dār al-Hijrah Foundation.
11. Ibn 'Āshūr, Muḥammad Ṭāhir (1420 A.H). Tafsīr al-Taḥrīr wa al-Tanwīr (first edition). Beirut: Mu'sasat Tārikh al-Arabi.
12. Ibn Abi Ḥātim, Abd al-Raḥman ibn Muḥammad (1419 AH). Tafsīr al-Qur'ān al-Azīm (third edition). Annotator: As'ad Muḥammad Ṭayyib. Riyadh: Nizār Muṣtafa Al-Baz Library.
13. Ibn Fāris, Aḥmad (1404 AH). Mu'jam Maqāyīs al-Luqqah. Annotator: Hārūn, 'Abd al-Salām Muḥammad. Qom: Maktab al-'Ilām al-Islāmī.
14. Ibn Jawzī, 'Abd al-Raḥman ibn 'Alī (1422 AH). Zād al-Masīr fī 'Ilm al-Tafsīr, Annotator: Abd al-Razzāq al-Mahdi, Beirut: Dār al-Kitab al-'Arabī.
15. Jarjānī, Abu al-Faṭḥ ibn Makhdum (1362 SH). Tafsīr Shāhi aw Āyāt al-Aḥkām. Tehran: Navid Publications.
16. Jaṣṣās, Abu Bakr Aḥmad ibn 'Alī (1405 AH). Aḥkām al-Qur'ān. Annotator: Muḥammad Ṣādiq Qomhawi. Beirut: Dār Iḥyah al-Turāh al-Arabi.
17. Javadi Amoli, Abdullah (1393 SH). Tafsīr Tasnīm Volume 18. Qom: Isra'a Publications.
18. Kāshānī, Fathullah ibn Shukr Allah (n.d). Minhaj-al-Ṣādiqīn fī il-zām al-Mukhālīfīn. Tehran: Islamiyyah Bookstore.
19. Khāzīn, 'Alī ibn Muḥammad (1415 AH). Tafsīr al-Khāzīn [a.k.a. Libāb al-Ta'wīl fī Ma'āni al-Tanzīl]. Annotator: Abdul Salam Muḥammad 'Alī Shahin. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
20. Makārim Shīrāzī, Nāṣir et al (1371 SH). Tafsīr Nemuneh (tenth edition). Tehran: Dār al-Kutub al-Islamiyyah.
21. Meybodī, Aḥmad ibn Muḥammad (n.d). Kashf al-Asrār wa Iddat al-Abrār [a.k.a. Tafsīr Khwaja Abdullah Anṣārī] (fifth edition) by Ali Asghar Hikmat, taken

- from Tafsīr of Abdullah ibn Muḥammad Anṣārī Tehran: Amir Kabir Publications.
22. Mughniyah, Muḥammad Jawād (1424 AH). Tafsīr al-Kāshif. Qom: Dār al-Kitāb al-‘Islami.
23. Muqātil Ibn Sulaimān (1423 AH). Tafsīr Muqātil Ibn Sulaimān. Annotator: Abdullah Mahmud Shahateh. Beirut: Dār Ihyā Al-Turāth Al-‘Arabi.
24. Muṣṭafawī, Ḥasan (1368 SH). Al-Taḥqīq fī kalimāt al-Qur’ān al-Karīm. Tehran: Ministry of Culture and Guidance.
25. Mutahhari Murteza (1372 SH). Majmūe Āthar Uṣṭad Shahid Mutahhari (eighth edition). Qom: Sadra Publications.
26. Mutahhari Murteza (1391 SH). Ḥuqūq zan wa mard az didgā-e-Islam. Tehran: The Secretariat of Mutahhari Vision.
27. Najafi, Muḥammad Ḥasan (1404 AH). Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā’e al-Islam (seventh edition). Annotators: Abbas Qochani & Ali Akhundi. Beirut: Dār Ihyā Al-Turāth al-Arabi.
28. Qummi, ‘Ali ibn Ibrahim (1363 SH). Tafsīr Qummi (third edition). Annotator: Tayyib Mousavi Al-Jaza’iri. Qom: Dār Al-Kitāb.
29. Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad (1364 SH). Al-Jāmi’u li-Aḥkām al-Qur’ān. Tehran: Nasser Khosro.
30. Sabziwārī, Muḥammad (1406 A.H.). Al-Jadīd fī Tafsīr al-Qur’ān al-Majīd. Beirut: Dār al-Ta’ārif.
31. Sabziwārī, Muḥammad (1419 A.H.). Irshād al-Adh-hān ila Tafsīr al-Qur’ān. Beirut: Dār al-Ta’ārif.
32. Ṣādiqi Tehrani, Muḥammad (1388 SH). Tarjumāni Furqān: Tafsīr Mukhtaṣar Qur’ān Karīm. Qom: Shukraneh Publications.
33. Ṣādiqi Tehrani, Muḥammad (1406 AH). Al-Furqān fī Tafsīr al-Qur’ān bi al-Qur’ān wa al-Sunnah (second edition). Qom: Farhang Islami Publications.
34. Ṣādiqi Tehrani, Muḥammad (1419 AH). Al-Balāgh fī Tafsīr al-Qur’ān bi al-Qur’ān. Qom: Office of Muḥammad Ṣādiqi Tehrani.
35. Ṣan’ānī, Abd al-Razzāq ibn Himām (1411 AH). Tafsīr al-Qur’ān al-Azīz [a.k.a. Tafsīr Abd al-Razzāq]. Beirut: Dār al-Ma’rifah.
36. Ṭabarāni, Suleiman ibn Aḥmad (2008). Al-Tafsīr Al-Kabīr: Tafsīr al-Qur’ān al-‘Aẓīm. Irbid (Jordan): Dār al-Kitāb Al-Thaqafi.
37. Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr (1412 AH). Jāmi’u al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān, Beirut: Dār al-Ma’rifah.
38. Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan (1372 SH). Majma’ Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān (third edition). Annotators: Faḍlullah Yazdi Ṭabāṭabāi & Hashim Rasuli. Tehran: Nasser Khosro Publications.
39. Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan (1412 AH). Tafsīr Jawāmi’ al-Jāmi’. Annotator: Abu al-Qasim Gharaji. Qom: Hawza Ilmiyyah, Qom (Administrative Unit).
40. Ṭabāṭabāi, Muḥammad Ḥusayn (1390 AH). Al-Mīzān Fī al-Tafsīr al-Qur’ān (second edition). Beirut: Mu’assasat al-‘Alami Publishing House.
41. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan (n.d). Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur’ān. Annotator: Ahmad Habīb ‘Āmili. Beirut: Dār Ihyā Al-Turāth Al-‘Arabi.
42. Zamakhsharī, Maḥmūd ibn ‘Umar (1407 AH). Al-Kashshaf ‘an Ḥaqā’iq gha-wamid al-Tanzil wa ‘uyun al-Aqāwīl fī wujuh al-Ta’wīl (third edition). Annotator: Muṣṭafa Hussain Ahmad. Beirut: Dār Al-Kitāb Al-‘Arabi.
43. Zuḥaylī, Wahbat Ibn Muṣṭafa (1411 AH). Al-Tafsīr Al-Munīr fī al-‘Aqīdat wa al-Sharī’at wa al-Minhaj (second edition). Damashq: Dār al-Fikr.